

می‌توانند در این میان ایفا کنند، است.

دست آورد جامعه انسانی از لحاظ علمی و صنعتی در طول بیست سال گذشته بیش از آن است که در یکصد سال پیش از آن اندوخته بوده است. در این مقطع حساس و نفس‌گیر از حیات بشر، همسایه شرقی کشور ما نه فقط در مسابقه جهانی دست یابی به دانش و تکنولوژی شرکت نکرده، بلکه هر آنچه را هم که از پیش داشته تخریب کرده است. جنگ داخلی بیست ساله افغانستان که آزمندان جهان، هر یک به بهانه‌ای، شعله‌های آنرا تافته‌تر می‌خواسته‌اند، قوم افغان را از هرگونه توان مالی و انسانی و فکری تهی کرده و به حاشیه رانده‌است. حاشیه رانده شده‌گان چیزی برای از دست دادن ندارند و منطقاً نباید انتظار داشت که حریم باورها، دارائیه و امنیت دیگران برایشان محترم باشد و یا بتوانند نقطه نظرات دیگران را به سهولت دریابند و هم‌گامی و هم‌زمانی نشان دهند.

ایران هر چه باشد به میزان قابل توجهی از همسایه شرقی‌اش دارا تر و توانا تر است. در طول بیست سال اخیر هم متناسب با وسع خود و بیش از اغلب مدعیان جهانی حقوق بشر در تسکین دردهای پناه جویان افغانی کوشیده است. از این پس، با پایان جنگ داخلی افغانستان، می‌تواند هدف‌دارتر و مؤثرتر عمل کند. سال ۲۰۰۱ به پیشنهاد رئیس‌جمهور خردمندان سال گفتگوی تمدنها و سال تفاهم با دیگران است. چه بهتر که چراغ را به خانه روا داریم و بکوشیم با همسایه افغانی‌مان به همدلی و هم‌زمانی برسیم. از سوی دیگر در میثاق کاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گسترش همکاریهای علمی و بین‌المللی از اولویتهاست. پیشنهاد می‌شود:

چگونه می‌توان به افغانستان کمک کرد^۱

جناب آقای رئیس‌جمهور

افتخار دارم از طرف همکاران دانشگاهی‌ام از توجهی که به نقش علم در گشودن گره‌های اجتماع دارید و از اهتمامی که در خردورزی اعمال می‌کنید و خرد جمعی را در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاریها ارج می‌نهد سپاسگزار می‌کنم. به جامعه دانشگاهیان این موهبت را تبریک می‌گویم و برای آن بزرگوار در مهمی که به عهده گرفته‌اید آرزوی توفیق دارم. ...

... جناب آقای رئیس‌جمهور از اطاله کلام پوزش می‌خواهم. ولی اجازه فرمائید فرصت گرانبهایی را که نصیب شده است آسان از دست ندهم. دیروز پیشنهادی به جناب آقای دکتر معین کرده‌ام. اجازه می‌خواهم در حضور جنابعالی و جمع خردورزانی که در این جا حضور دارند، تکرار کنم. آن مسئله ایجاد تفاهم با همسایه شرقی‌مان و نقشی که دانشگاهها

۱. برگرفته از خبرمقدم آقای دکتر یوسف ثبوتی به جناب آقای خانمی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در ضیافت شام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به مناسبت گردهمایی مورخ ۹/۱۰/۸۰ رؤسای دانشگاهها در تهران

«دانشگاه‌های ایران درهای خود را به روی دانشجویان افغان در تمام رشته‌ها بگشایند و بازاء هر یکصد دانشجوی ایرانی یک دانشجوی افغان بپذیرند و هزینه‌های تحصیلی و معیشتی‌اش را تقبل کنند.»

اگر امروز چنین کنند در طول چهار الی شش سال آینده قریب به پنجاه هزار کارشناس علوم، مهندسی، کشاورزی، مدیریت، خدماتی، پزشکی، درمانی و غیره به جامعه افغان هدیه خواهند کرد. مطمئناً در کشوری که به مدت پنج سال دانشگاه‌هایش به کل بسته بوده است و در پانزده سال پیش از آن نیز به خاطر جنگ داخلی پرداختن به تامین نیروی انسانی در اولویت نبوده است، این گروه عظیم کارشناسان در مصادر امور قرار خواهند گرفت و به تدریج بدنه مدیران تصمیم‌گیر افغانستان را تشکیل خواهند داد.

چه سودی عاید افغانستان، ایران و بطور کلی منطقه خواهد شد؟ حرمت انسانها به درجه آگاهی آنها بستگی دارد، توانائیاها از آگاهی‌ها نشئت می‌گیرند. تفاهم بین اقوام مستلزم شناخت آنها از همدیگر است. نگاهی اجمالی به آنچه که در چند ده سال اخیر در منطقه جغرافیایی ما رخ داده است نشان می‌دهد که ریشه همه مصیبت‌ها در ناآگاهی مردم آن بوده است. ناآگاهان بالطبع ضعیف‌اند و آماج طماعی‌های اقویا قرار می‌گیرند، جزم اندیش‌اند و با دیگران به تفاهم نمی‌رسند، از تشخیص سود و زیان خود ناتوان‌اند و راه به مقصود نمی‌شناسند. در یک کلام ناآگاهان مصیبت آفرین‌اند و پذیرای مصیبت آفرینان دیگراند. هر گونه کمک علمی به جامعه افغان که منجر به استفاده بیشتر و بهتر از دانش و تکنولوژی روز شود بهترین باطل‌السحر برای دفع بلاهای ناشی از ناآگاهی خواهد بود و آرامش ناشی از آن شامل حال همسایگان و شاید کل جهان نیز خواهد شد. چه، حرکت جامعه بشری در تمام عمل‌کردهایش به سوی

جهانی شدن، از تجارت و صنعت گرفته تا تروریسم و بی‌عدالتی، واقعیت است.

لازم است به نقش زبان و فرهنگ مشترکمان با افغان نیز اشاره شود. دانشگاهها و نظام آموزشی ما در موقعیت منحصر به فردی برای آموزش دانشجویان افغان قرار دارد. دانشجوی افغان کتابها و مطالب درسی را با همان زبان و خطی خواهد آموخت که خود آشناست. زن و دختر افغانی پس از سقوط طالبان نیز خود را در برقع می‌پیچد، محیط‌های دانشگاهی ما که پوشیدگی زن از پذیرفته‌های آن است برای او مانوس و قابل پذیرش خواهد بود. برای دانشجویان افغان هیچیک از این دو امتیاز به درجه‌ای که در ایران فراهم است در نقاط دیگر دنیا میسر نیست. برای ایران نیز فرصتی منحصر به فرد است که چهره انسانی اخلاق، فرهنگ، دین و ایمان خود را به آن بخش از دنیا که اصالتاً نگران آسیب‌های ناشی از نادانی و ناداری به جامعه جهانی هستند نشان دهد.